

حقوق بین الملل خصوصی

اخراج خارجی ها

دولتی که بطور کلی خارجیه را در داخل خود نپذیرفته یا اتباع کشور معینی را در خاک خود قبول نکنند بر خلاف اصول بین الملل رفتار مینمایند ولی هر دولتی می تواند خارجی ها نیکه توفیق آنها را در خاکش مناسب نماید اخراج کند - ساده ترین وسیله برای اینکه خارجی مجبور بترك خاک ایران گردد اینست که پروانه اقامت او اسفرداد شود ولی نسبت به آنها نیکه شخصاً از خاک ایران بیرون نیرند بوسیله «اخراج» میتوان مقبول شد وقتی که تصمیم اخراج در باره خارجی گرفته شد دیگر نمی تواند در خاک ایران باقی بماند مگر اینکه تاحیر اجرای آن منافعی با مصالح کشور نباشد در اینصورت مهلتی باو داده میشود «اخراج» که از طرف مقام صلاحیتدار میادرت بان میگردد با خرج کردن بیگانه که بدون رعایت مقررات وارد ایران میشود نباید اشتباه گردد مثلاً اگر خارجی از کشتی پیاده شده بدون اینکه گذرنامه او دارای ویزای او - مورد دولت ایران باشد او را خارج میکنند و چنین عملی اخراج نامیده نمیشود اخراج وقتی است که خارجی مقیم ایران بر خلاف مقررات رفتار نماید و حکم اخراج او از طرف مقام صلاحیتدار داده شود اخراج اقدام اداری محسوب شده و محتاج بصور حکم دادگاه نبوده حکم بان از طرف مقامات اداری صادر میشود بنسب این لازم نیست مثل احکام قضائی مدال باشد - معمولاً این اقدام وقتی به لی میاید که خارجی بر خلاف قانون ورود اتباع خارجه رفتار کرده و یا حضور او در خاک ایران برخلاف مصالح کشور تشخیص شود از تصمیم اخراج میتوان به

وزارت داخله مراجعه کرده و تقاضای تجدید نظر نمود تصمیم اخراج بخارجی ابلاغ و معمولاً باو مهلت کافی داده میشود اگر خارجی تقبل کند در مدتی که از طرف اداره صلاحیتدار تعیین میشود آزادانه خارج خواهد شد و الا تحت الحفظ خارج میگردد بهلاوه برای خارجی که بمنظور فرار از اجرای اخراج پنهان شود و یا پس از اخراج بخاک ایران مراجعت کند قانون مجازاتی پیش بینی نموده است این جرم مستمر محسوب شده مشول مرور زمان نگردیده و ممکن است تا وقتی که خارجی در خاک ایران متوقف است مورد تعقیب قرار گیرد اجرای تصمیم اخراج نسبت به کسانی که دارای میهن هستند سهل است ولی نسبت باشخاصیکه بدون میهن هستند حالی از اشکال نیست زیرا هیچ دولتی حاضر نیست اینگونه اشخاص را در خاک خود بپذیرد همین جهت جامعه ملل در صدور آمد از اخراج اشخاص بدون میهن جلوگیری کند و در سنه ۱۹۲۸ بنحو سفارش بدول اعلام گردید که اصولاً از اخراج آنها خود داری نمایند مگر در مواردیکه خارجی بدون میهن بر علیه انتظامات عمومی کشور اقدام کرده باشد اقدام باخراج برای کسانی که دارای میهن هم هستند ممکن است ایجاد اشکال کند مثلاً در موردیکه خارجی از اتباع دولت دوردستی است و تصمیم باخراج بر باره او اتخاذ شده و دارای وسائل مادی برای پرداخت هزینه مسافرت نیست - اگر چنین خارجی که بعلت نداشتن وسائل از اجرای تصمیم اخراج خود داری کرده است تحت تعقیب قرار گیرد آیا میتوان او را مجازات نمود یا نه عقیده بعضی از علماء اینست که چنین شخصی از راه اضطرار بنا وجود حکم

اخراج مبادرت باقامت نموده و نمیتوان او را مجازات نمود رویه قضائی اخیر دادگاه های فرانسه نیز بر این است که چنین شخصی را مضطر تشخیص داده و مجازات نمی کند

حقوق خصوصی

حقوق خصوصی عبارت از حقوقی است که هر انسان متمتع از آن بوده و موضوعات آن در قانون مدنی و قانون تجاری تشریح شده است. آیا خارجی میتواند دارای حقوق خصوصی در ایران باشد یا نه؟

این مسئله نه تنها از نظر خارجی های مقیم ایران مورد بحث واقع میشود بلکه از نظر خارجی هایی که در ایران اقامت نداشته ولی در اینجا دارای اموالی هستند طرح میگردد

از نظر بین المللی هیچ دولتی مجبور نیست که حقوق معینی را برای خارجیها بشناسد ولی نمیتواند متمتع حقوق خسیر صیرا بطور کلی از آنها سلب نماید عملاً هم هیچ دولتی در قرون اخیره بفکر نیفتاده که خارجیها را بطور کلی از حقوق خصوصی محروم نماید تعداد حقوقی که معمولاً از خارجیها سلب میشود زیاد نیست این ترتیب هم منطقی است زیرا دادن حق اقامت بخارجیها با اعطاء حقوقی مدنی ملازمه دارد نمیتوان گفت بیگانه حق دارد در ایران اقامت نماید ولی نمیتواند خرید و فروش و صلح و ازدواج نموده و یا سایر حقوق مدنی را اعمال نماید اعطاء حقوق مدنی بخارجیها در بعضی کشورها بشرح زیر در حدود معاهدات بوده در بعضی دیگر معاهده را لازم نمیدانند.

۱- بعضی از کشورها برای اعطاء حقوق مدنی به خارجیها تبانی معاهده را لازم نمیدانند مثل انگلستان و اتا زونی

۲- برخی دیگر وجود معاهده را لازم ندانسته باینکه اصل تقابل را لازم الاجرا میدانند مثل سوئد و نروژ
۳- گروه دیگری خواه معاهده در بین باشد خواه

نباشد اصولاً کلیه حقوقیکه برای اتباع داخله میشناسند برای اتباع خارجه نیز قابل اجرا میدانند بغير از مواردی که صریحاً استثناء مینمایند مثل آلمان و ژاپن

۴- عده دیگر وجود معاهده را که در ضمن آن اصل تقابل پیش بینی گردد لازم میدانند مثل فرانسه در ایران طریقه سوم انتخاب شده یعنی از جهت حقوق مدنی خارجی و داخلی بیک چشم نظر میشود این اصل ضمن ماده ۹۶۱ قانون مدنی پیش بینی شده - ماده ۹۶۱ جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود.

۱- در مورد حقوقیکه قانون آنرا صریحاً منحصراً باتباع ایران نموده و یا آنرا صریحاً از اتباع خارجه سلب کرده است

۲- در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آنرا قبول نکرده.

۳- در مورد حقوق مخصوصه که در فاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد از این ماده اینطور نتیجه میشود که برای استفاده بیگانه از حقوق مدنی لازم نیست حتماً این نکته ضمن معاهده پیش بینی شود باینکه ماده ۸ قانون مدنی میگوید «اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملك کرده یا میکنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود» از این ماده اینطور استنباط میشود که اموال غیر منقول از اصل کلی استثناء شده است و خارجی در صورتی میتواند دارای اموال غیر منقول شود که این حق ضمن عهد نامه پیش بینی شده باشد اگرچه قانون فقط وجود معاهدات را برای داشتن

اموال غیر منقول مقرر کرده ولی معمولاً در معاهدات نه تنها اشاره بحقوق غیر منقول مینمایند بلکه نسبت به بعضی از حقوق مدنی دیگر نیز تصریح مینمایند (ماده ۶ قرارداد اقامت بین دولتین ایران و آلمان) این امر نشان میدهد که حقوق غیر منقول را از اتباع خارجه سلب نموده نمیتواند است باینکه در بعضی تقسیم کرده اند و بعضی دیگر را سلب

محرومیت مطلق و محرومیت نسبی .
 محرومیت مطلق ناظر به حقوقی است که به موجب قوانین فعلی خارجیه نمیتوانند به هیچ وجه از آنها استفاده نمایند .

محرومیت نسبی ناظر به حقوقی است که در صورت وجود شرایطی خارجه میتواند از آنها استفاده کند
 اولاً محرومیت مطلق :

الف - بر حسب مستفاد از قانون مصوب ۱۶ خرداد ۳۱۰ اتباع خارجه نمیتوانند در ایران دارای املاک مزروعی باشند - بموجب ماده ۱ همین قانون هر تیره خارجه مکلف است در ظرف ۳ ماه از تاریخ اجرای آن صورت املاک مزروعی خود را با تعیین محل و مشخصات آن به دفتر محکمه بدایتی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است در مقابل رسید تسلیم نماید بر طبق مواد بعدی ملک مزروعی تحت نظر رئیس دادگاه بدایت تقویم شده و به مزایده گذاشته خواهد شد اگر خریداری پیدا نشد سند انتقال آن بدولت داده میشود اگر دولت قیمت مژور را نقداً بپردازد ملک را قطعاً تصرف خواهد کرد اگر قیمت را نقداً بپرداخت ملک تا پرداخت قیمت در تصرف دارنده آن (یا وراث آن) باقیمانده و دارنده ملک آنرا به خرج خود اداره کرده و منافع آنرا تملك خواهد نمود

چنانچه مشاهده میکنیم این قانون فقط نسبت به املاک مزروعی مقرراتی وضع کرده و نسبت بسایر قسمتها ساکت است این سکوت قانون آیا کاشف از این است که خارجی میتواند مستقلاً تملك نماید ؟

خیر خارجی نمیتواند چنین ادعائی را نماید زیرا اولاً بموجب مستفاد از مقررات تابعیت که در شوال ۱۳۱۷ قمری صادر شده اتباع خارجه از داشتن مستقلات محرومند ثانیاً ماده ۸ قانون مدنی میگوید « اموال غیر منقوله که اتباع خارجه در ایران بر طبق شهود تملك کرده یا میکنند..... » از این ماده اینطور استفاده میشود که فقط عهد نامه میتواند حق تملك اموال غیر منقول را بخارجیهها

برسد و در عهدنامهها مثلاً قرارداد ایران و آلمان در ماده ۶ قید شده « موافقت حاصل است که اتباع آلمان در بخارا ایران مجاز نیستند اموال غیر منقوله غیر از آنچه برای سکونت و شغل و یا صنعت آنها لازم است تحصیل یا تصرف و یا تملك نمایند »
 تجدید کردن مالکیت مال غیر منقول برای خارجیهها در ایران برای جلوگیری از چند غیب بوده است
 ۱ - تملك اموال غیر منقول بوسیله خارجیهها خصوصاً اگر در مجاورت بخشهای نظامی باشد جاسوسی را تسهیل می کند .

۲ - تجمع خارجیهها در دهات معیشتی ممکن است در صورتیکه بمادات و اخلاق ایرانی خونگیرند عدم تبعات این بین افراد کشور ایجاد نموده و نتیجه برای کشور مضرواقع شود
 ۳ - معمولاً مالکین نسبت برعایا دارای نفوذ بوده و چنین نفوذی برای خارجی ها از نظر مصالح کشور شایسته نیست .

۴ - در صورت افزایش عده خارجی قوانین مربوطه باحوال اشخاص دولت متبوع آنها اجرا شده و این خود مسکنه بحاکمیت کشور وارد میآورد

ب - بموجب قانون اجازه اخذ تأمین خسارت مخارج محاکمه از اتباع خارجه مصوب ۲۶ شهریور و اول مهر ۱۳۰۸ اتباع خارجه اعم از اینکه مدعی اصلی باشند و یا بعنوان شخص ثالث وارد دعوی گردند در صورت تقاضای مدعی علیه مکلفند برای تادیه مخارج محاکمه و خساراتی که ممکن است بپرداخت آن محکوم گردند تأمین بدهد حتی تقاضای پرداخت تأمین فقط از مدعی علیه ایرانی پذیرفته میشود بنابراین چنین حقی از مدعی علیه خارجی سلب گشته و او نمیتواند از مدعی خارجی تقاضای پرداخت خسارت نماید .

محرومیت نسبی

الف - بموجب قانون نامبرده در بالا مدعی علیه

ایرانی حق دارد از مدعی خارجی تقاضای پرداخت تأمین نماید بنابراین مدعی خارجی نمیتواند بدون پرداخت آن تقاضای رسیدگی کند و مادامیکه تأمین داده نشده حاکمه متوقف خواهد ماند ولی این محرومیت نسبی است زیرا همین قانون در ماده ۳ مقرر داشته تبعه خارجه که در خاک دولت متبوع او اقباع ایران از دادن تأمین معاف هستند از دادن تأمین در ایران معاف خواهد بود بنا بر این در صورت معامله متقابله ممکن است خارجی حق تقاضای رسیدگی را بدون پرداخت تأمین مثل مدعی ایرانی پیدا نماید.

ب - بموجب ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد (این مانع قانونی ناظر بماده ۱۰۵۹ است که بموجب آن نکاح مسلمه با غیر مسلمه جایز نیست) موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است عبارت دیگر خارجی حق ندارد با زن ایرانی ازدواج کند مگر اینکه دولت ایران این اجازه را بدهد پس می بینیم که محرومیت ازدواج خارجی با زن ایرانی محرومیت نسبی است زیرا با اجازه دولت بر طرف میشود.

بموجب مصوب نامه هیئت وزراء در جلسه دهم مهر ۱۳۱۰ مقامیکه برای اجازه ازدواج اقباع خارجه بانسوان ایرانی صلاحیت دارند در استان استاندار در شهرستانها فرماندار و در خارجه مامور قسولوی ایران است.

ج - بموجب مستفاد از ماده ۴ قانون ثبت علائم تجارتهی مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ کسانیکه بنگاه های صنعتی یا تجارتهی یا فلاحتهی آنان در خارج از ایران واقع است اصولاً از استفاده ثبت محرومند مگر اینکه کشوریکه بنگاه های آنها در آنجا واقع شده بموجب عهد نامه و یا قوانین داخلی خود از علائم تجارتهی ای ان حمایت کند د - بموجب ماده ۴۴ همین قانون اقباع خارجه که در ایران تقاضای ثبت اختراع میکنند و اقامتگاه آنان در ایران نیست فقط در صورتی میتوانند از مقررات ثبت اختراع استفاده نمایند که معامله متقابله بعمل آید. اینها توضیحاتی بود که نسبت بشق یک ماده ۹۶۱ قانون مدنی بنظر می رسید.

شقی ۲ ماده ۹۶۱ - در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده، مثلاً بموجب قانون ایران مرد میتواند در هر موقع زن خود را طلاق دهد بکنفر فرانسوی نمیتواند قانون ایران را عنده ان کرده و از حق مزبور استفاده کند زیرا قانون فرانسه این حق را برای شوهر قائل نیست.

شقی ۳ - در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده است نویسنده تصور میکند که این قسمت از ماده ۱۱ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده و در ایران نمیتوان فعلاً برای آن مصداق خارجی پیدا کرد.